

بسم الله الرحمن الرحيم

برای هر عملی ارزشی است که در وقت انجامش باید انسان آن را در نظر بگیرد

(ترجمه)

به پاسخ محمد زغل

پرسش

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

شیخ بزرگوار ما الله سبحانه و تعالی شما را حفظ فرموده و شما را توسط اهل نصرت خویش یاری فرماید.

سوالم به موضوع ارزش‌ها که در کتاب مفاهیم آمده ارتباط می‌گیرد و او این است که آیا کار برای خلافت از جمله حضور در حلقات و کارهای دعوتی ارزش انسانی را به وجود می‌آورد و یا ارزش روحی؟ آیا کارهای دولت ارزش روحی را به وجود می‌آورد و یا ارزش انسانی، اخلاقی و یا مادی؟ الله سبحانه و تعالی شما را برکت داده و از علم شما برای ما نفع برساند.

پاسخ

و علیکم السلام و رحمت الله و برکاته!

اول طوری که در سوال شما مطرح گردیده، مسئله‌ی ارزش‌ها در کتاب مفاهیم حزب التحریر آمده است که خوب است جهت کمک به توضیح پرسش و پاسخ مقداری از آن کتاب ذکر شود. در کتاب مفاهیم حزب التحریر چنین آمده است:

«اما نسبت به قصد از عمل باید هر عمل کننده دارای مقصدی باشد که به خاطر آن به عمل اقدام کرده باشد و این قصد یا هدف همان قیمت و ارزش عمل می‌باشد. بنا بر آن ضرورت است که هر عمل دارای قیمتی باشد که انسان هنگام اقدام به عمل بر آورده شدن آن را در نظر داشته باشد و اگر چنین نبود، عمل عبث مطلق خواهد بود و برای انسان مناسب نیست به اعمال خود بدون قصد و به طور عبث بپردازد؛ بلکه ضرور است برای به دست آوردن ارزش اعمالی را که به خاطر آن به عمل اقدام کرده در نظر داشته باشد و ارزش عمل یا ارزش و قیمت مادی می‌باشد؛ مثلاً: کاری‌های تجارتي، زراعتی، صنعتی و غیره. زیرا مقصود از اقدام به این کارها همانا ایجاد فواید مالی بوده که عبارت از فایده و ربح است و آن ارزش اعمال مذکور بوده، در زنده گی رول مهم دارند و یا ارزش عمل انسانی می‌باشد. مثلاً: نجات دادن غرق شده‌گان و دادرسی مظلومین؛ زیرا مقصود از این عمل نجات انسان بوده به قطع نظر از رنگ، نژاد و دین و به قطع نظر از هر اعتبار دیگری غیر از انسانیت و یا ارزش عمل اخلاقی می‌باشد. مثلاً: صداقت، امانت، شفقت، زیرا مقصود از این اعمال ناحیه اخلاقی است قطع نظر از فایده‌ی مادی و انسانیت؛ چون گاهی اخلاق با غیر انسان هم صورت می‌گیرد مثلاً: شفقت بر حیوان و پرندگان و گاهی در عمل اخلاقی خساره‌ی مادی به میان می‌آید؛ لیکن به میان آوردن ارزش آن واجب می‌باشد که همین ناحیه اخلاقی است و یا ارزش عمل روحی می‌باشد. مثلاً: عبادات؛ زیرا مقصود از عبادات فواید مادی و یا ناحیه انسانی و یا مسایل اخلاقی نبوده؛ بلکه مقصود از عبادات مجرد عبادت است. لذا واجب است که

ارزش روحی آن در نظر گرفته شده و بس، قطع نظر از ارزش‌های دیگر. این بود ارزش و قیمت‌های همه‌ی اعمال و همین ارزش‌ها اند که انسان برای به دست آوردن آن‌ها هنگام اقدام به هر عملی از اعمال خود فعالیت می‌نماید.»

دوم: هم‌چنان در صفحات ۳۰ و ۳۴ فایل ورد این کتاب آمده است: «و قیاس جوامع انسانی در زندگانی دنیوی‌شان بر حسب این ارزش‌ها و به اندازه‌ی آن‌چه از آن در جامعه تحقق می‌یابد و به قدر رفاهیت و اطمینانی که تحقق آن را تضمین می‌کند، می‌باشد. از همین رو بر مسلمان لازم است که هنگام انجام دادن هر عملی که به آن اقدام می‌کند همه‌ی توان خود را در راه حاصل شدن قیمت و ارزش آن عمل به کار بندد تا در رفاهیت و طرقي جامعه سهم فعالی داشته باشد و درعین‌زمان رفاهیت و اطمینان خود را هم تضمین کرده باشد و این ارزش‌ها در ذات خود متفاضل و مساوی نبوده؛ زیرا در میان آن‌ها خصایص وجود ندارد که در مساوی دانستن بعضی از آن‌ها با بعضی دیگر و یا در برتر دانستن برخی از آن‌ها بر برخی دیگر قاعده و اساس قرار داده شود، بلکه آن‌ها نتایج و ثمرات اند که انسان هنگام اقدام به عمل آن‌ها را هدف می‌داشته باشد...»

لذا اشخاصی که بر آن‌ها مشاعر روحی غالب بوده، میل به آن بالای‌شان دست یافته و ارزش مادی را ترک و ارزش روحی را بر ارزش مادی ترجیح می‌دهند و به عبادات روی آورده به مادیات رغبت نشان نمی‌دهند و از همین رو به زنده‌گی توجه نمی‌کنند، برای این‌که آن ماده است. لذا آن‌ها سبب عقب مانده‌گی مادی آن شده و به‌خاطری ایشان سطح جامعه که در آن زندگی می‌کنند پایین می‌رود؛ زیرا در آن کسالت و تنبلی شایع می‌گردد و اشخاصی که بر ای‌شان میل‌های مادی غلبه نموده شهوت بر آنان چیره گردیده، ارزش‌های روحی را ترک و ارزش مادی را ترجیح می‌دهند و در راه به دست آوردن آن سعی می‌کنند. از همین جهت، اهداف عالی نزدشان متعدد بوده و به سبب آن‌ها جامعه که در آن زندگی می‌کنند، مضطرب و پریشان حال گردیده، شر و فساد در آن گسترش می‌یابد.

بنابر آن، این نادرست و خطا خواهد بود که سنجش این ارزش‌ها برای انسان گذاشته شود، بلکه ایجاب می‌کند که سنجش و اندازه این ارزش‌ها از طرف خالق انسان صورت گیرد که او سبحانه و تعالی می‌باشد و از همین رو ضرور است که تنها شریعت برای انسان این ارزش‌ها را مشخص و وقت انجام آن‌ها را تعیین نماید تا مطابق آن انسان ارزش‌های مذکور را حاصل کند. بدون شک شریعت طرق حل مشکل زندگی را توسط اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی بیان کرده و بر انسان لازم گردانیده که در زندگی مطابق همین اوامر و نواهی حرکت نماید؛ چنان‌که اعمال و روش‌هایی را بیان کرده که ارزش روحی را متحقق سازد و آن عبادات است که توسط شریعت واجب و سنت گردیده است. هم‌چنان صفات را بیان کرده که ارزش اخلاقی را متحقق می‌سازد و انسان را آزاد گذاشته تا ارزش مادی لازم را مطابق نظام خاص که برایش بیان کرده و او را امر کرده که از آن خلاف‌ورزی نکند، متحقق سازد تا توسط آن ضروریات و نیازمندی‌های خویش و آن‌چه بالاتر از ضروریات و نیازمندی‌ها است، به دست آورد و برای انسان لازم است که جهت تحقق و به دست آوردن این ارزش‌ها مطابق اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی سعی نموده و به معیار شریعت آن‌ها را اندازه کند...»

سوم: اما نقش دولت در ایجاد این ارزش‌ها برای جواب سوال باید مسایل زیر را توضیح دهیم:

ارزش عمل همان قصدی است که شخص عمل را به هدف به دست آوردن آن انجام می‌دهد. پس ارزش عمل همان قصد عمل است و کسی که از عمل قصد دارد انسان است، یعنی شخص معین است؛ مثل محمد، زینب، فاطمه و خالد. پس وقتی انسان به کاری از کارها می‌پردازد، ایجاد ارزش مشخصی را قصد دارد؛ مثلاً: وقتی محمد به کار و عمل تجارتي می‌پردازد، بدون شک او ایجاد فایده مادی را قصد دارد که این خود ارزش مادی است و وقتی زینب به ادای نماز می‌پردازد، بدون شک او ایجاد ارزش معنوی را قصد می‌کند که همان ارزش روحی است و وقتی فاطمه صدقه می‌دهد، او ارزشی را قصد می‌کند که همان ارزش اخلاقی است و وقتی خالد به یاری ستم‌دیده‌ای می‌پردازد، بدون شک قصد ارزشی دارد که همانا ارزش انسانی است... به این ترتیب ارزش همانا قصد فرد مشخصی است که وقتی به عملی می‌پردازد و آن قصد را در نظر می‌گیرد؛ یعنی کسی که عملی را به‌خاطر یک مقصد و قصدی انجام می‌دهد همانا انسان یعنی فرد مشخصی است و این چیزی است که در مبحث ارزش‌ها در کتاب مفاهیم وارد شده است و گفته شده؛ ارزش‌های که شخص به آن می‌پردازد، شخص است نه دولت.

و اگر به آخر بند دوم آن چه در کتاب مفاهیم وارد شده رجوع کنیم چنین آمده است: «بنا بر آن، این نادرست و خطا خواهد بود که سنجش این ارزش‌ها برای انسان گذاشته شود، بلکه ایجاد می‌کند که سنجش و اندازه این ارزش‌ها از طرف خالق انسان صورت گیرد که او سبحانه و تعالی می‌باشد و از همین‌رو ضرور است که تنها شریعت برای انسان این ارزش‌ها را مشخص و وقت انجام آن‌ها را تعیین نماید تا مطابق آن انسان ارزش‌های مذکور را حاصل کند. بدون شک شریعت طرق حل مشکل زندگی را توسط اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی بیان کرده و بر انسان لازم گردانیده که در زندگی مطابق همین اوامر و نواهی حرکت نماید؛ چنان‌که اعمال و روش‌هایی را بیان کرده که ارزش روحی را متحقق سازد و آن عبادات است که توسط شریعت واجب و سنت گردیده است. هم‌چنان صفات را بیان کرده که ارزش اخلاقی را متحقق می‌سازد و انسان را آزاد گذاشته تا ارزش مادی لازم را مطابق نظام خاص که برایش بیان کرده و او را امر کرده که از آن خلاف‌ورزی نکند، متحقق سازد تا توسط آن ضروریات و نیازمندی‌های خویش و آنچه بالاتر از ضروریات و نیازمندی‌ها است، به دست آورد و برای انسان لازم است که جهت تحقق و به دست آوردن این ارزش‌ها مطابق اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی سعی نموده و به معیار شریعت آن‌ها را اندازه کند.»

در این‌جا است که کار و وظیفه دولت تبارز می‌کند و او این است که دولت این ارزش‌ها را طبق احکام شرعی و آن‌طوری که بر انسان لازم است، تحت نظارت خود قرار داده و برای شخص اجازه نمی‌دهد تا این ارزش‌ها را خلاف اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی انجام دهد... در تمام ارزش‌ها؛ خواه این ارزش‌ها روحی باشد و یا هم اخلاقی، انسانی و مادی.

این وظیفه و نقش دولت در نظارت افراد برای ایجاد ارزش‌ها طبق احکام شرعی است؛ خواه این ارزش‌ها روحی باشد و یا هم اخلاقی، انسانی و مادی... و دولت روش‌های مختلفی را برای نظارت و به دست آمدن این ارزش‌ها از قبیل جهت دادن و واضح ساختن این ارزش‌ها طبق احکام شریعت روی دست می‌گیرد و وقتی مسیر جهت دادن و واضح ساختن برای تصحیح اعمال افراد به خاطر ایجاد این ارزش‌ها خلاف شریعت نیافت و مجازات لازم شد، دولت آن مجازات را انجام می‌دهد و این به‌خاطر ضمانت تطبیق افراد برای این ارزش‌ها طبق اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی است...

این چیزی است که من آن‌را در این مسئله ترجیح می‌دهم و الله سبحانه و تعالی از همه عالم‌تر و با حکمت‌تر است.

برادرتان عطاء ابن خليل ابوالرشته

٢٦ جمادى الثانى ١٤٤٣هـ.ق.

٢٩ جنورى ٢٠٢٢م.

مترجم: مصطفى اسلام